

دو نکته درباره نسخه «شاهنامه فلورانس»

در این اوان که مراحل بازنگری نهایی «شاهنامه فردوسی» آراسته خود را بررسی می‌کردم، به یادداشتی برخوردم که باز گوینده دیدار نخستین من از آقای پروفیسور پیه‌مونتسه است، چون در این یادداشت به دو نکته دقیق و حساس اشارت رفته است، ضرور دانستم آن را به عین باز بنویسم تا در معرض داوری نکته سنجانه قرار گیرد: «امروز - چهارشنبه ۲۳ خرداد ماه ۱۳۶۹ - به دیدار آقای پروفیسور پیه‌مونتسه، کاشف به اصطلاح کهن ترین نسخه تاریخ دار شاهنامه، یعنی شاهنامه فلورانس که مورخ ۶۱۴ است، و هم اینک رایزن فرهنگی سفارت ایتالیا در ایران است، رفتم.

دیروز از آقای دکتر محمود بروجردی - رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی - خواسته بودم که نامه‌ای در معرفی من به کتابخانه فلورانس بنویسد؛ و ایشان گفته بودند که این دیدار فقط به اجازه آقای پیه‌مونتسه و با موافقت او ممکن است، به اشارت ایشان به وسیله آقای دکتر تکمیل همایون با ایشان قرار ملاقات گذاشته بودم. آقای پروفیسور پیه‌مونتسه می‌گفتند ده ساله که این نسخه را شناخته، اوایل به کسی چیزی نگفته و به دقت بر روی آن مذاقه کرده، سپس آقای بازیل گری، متخصص نقاشی و هنر ایرانی که نسخه را دیده آن را - و خاصه سرلوحه‌های مذهب آن را - مربوط به عصر سلجوقی دانسته و حوزه اناطولی. در حاشیه‌ها گاه مهرها و اشاره‌هایی از «اخی»‌ها دیده می‌شود، و خاصه نعتی برای حضرت علی (ع) در اوایل آمده به زبان ترکی، که با توجه به تاریخ نسخه - ۶۱۴ - احتمالاً از قدیم ترین نشانه‌های زبان ترکی است؛ نسخه ظاهراً بعد از راه مصر به فلورانس رسیده! آقای مونتسه می‌گفت همچنان که مرحوم عباس اقبال آشتیانی حدس می‌زده، مقدمه معروف بایسنغری، ساخته دوران او نیست، بلکه همین مقدمه، با این تاریخ، نشان از قدمت آن مقدمه می‌دهد با زبانی کهنه و واژه‌هایی از زبان پهلوی که در آن دیده می‌شود! آقای پیه‌مونتسه می‌گفت خود اسلایدها و مقدمات چاپ فاکسیمیل آن را فراهم آورده و مقرر است که آقای دکتر پورجوادی - رئیس مرکز نشر دانشگاهی - آن را به صورت فاکسیمیل چاپ کند و از من می‌خواست اگر بتوانم سفارشی مؤکد برای چاپ آن بکنم! هم ایشان می‌گفت آقای دکتر جلال خالقی مطلق که ده سالی است بر سر این نسخه کار کرده معتقد به اصالت و قدمت نسخه است، ولی نسخه را ایشان ندیده، و هنوز هیچ ایرانی موفق به دیدن آن نشده، برای اینکه رئیس کتابخانه آن را به کسی نشان نمی‌دهد! ایشان سپس با لطف بسیار معرفی نامه‌ای برای من نوشت که در سفر فلورانس، ان‌شاءالله آن نسخه را مورد بازدید و مذاقه قرار دهم، و گزارشی هم برای ریاست کتابخانه بنویسم؛ ان‌شاءالله که به دیدار نسخه موفق گردم.

محمد روشن

تهران - چهارشنبه ۲۳ خرداد ۶۹»

من به یاری‌های ایزدی، در روزهای ۲۱ و ۲۲ تیرماه ۱۳۶۹، به همراهی دختر و دامادم نسخه را در «کتابخانه ملی مرکزی فلورانس: BIBLIOTECA NAZIONALE CENTRALE FIRENZE» دیدن کردم که گزارش آن را در «یادگارنامه استاد دکتر غلامحسین یوسفی - ماهنامه فرهنگی و هنری کلک» آبان ماه ۱۳۶۹، شماره ۸ بازنوشتیم. و نیز در کتاب: «نمیرم از این پس که من زنده‌ام» - مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی (هزاره تدوین شاهنامه)، دی ماه ۱۳۶۹ - به کوشش دکتر غلامرضا ستوده، دانشگاه تهران؛ و روزنامه اطلاعات: ۹ دی ماه ۱۳۶۹

دو نکته اساسی شایان بررسی استادان گرامی و دانش پژوهان ارجمند، نمونه‌های زبان ترکی در تاریخ ۶۱۴ هجری قمری است، و آگاهی عباس اقبال آشتیانی بر محتوای نسخه و مقدمه بایسنغری وار آن!!

محمد روشن

